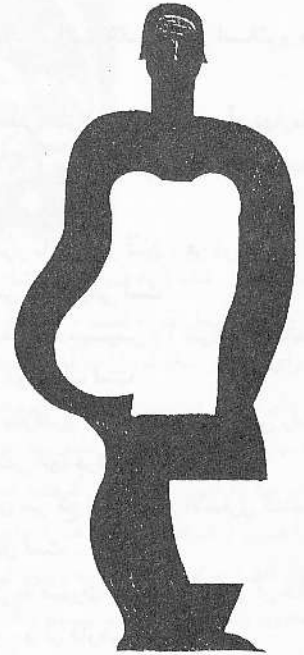


سفیران و روابط خارجی در آخرین سده‌های قرون وسطی

فرانسوا گانسو
ترجمه قاسم صنفوی



خود در فلورانس تعیین کرد و این کار در سال ۱۴۴۶ صورت گرفت یعنی پیش از آن که این سرکرده بزرگ، صاحب اختیار میلان شده باشد. نیکودمه پس از آن که اربابش در مقام دوک میلان به قدرت دست یافت در مشاغل خود ابقا شد؛ در سال ۱۴۵۰ نخستین سفیر دائمی فلورانس در میلان در آن دیار آشکار شد. در سال ۱۴۵۵ دوک میلان در ناپل نماینده دائمی داشت و در سال ۱۴۶۶ هم مدتها از اعزام نماینده دائمی شاه ناپل به میلان می‌گذشت. شاید اعزام نماینده دائمی میلان به ونیز به سال ۱۴۵۸ برگردد و اعزام نماینده دائمی ونیز نزد دوک میلان به ۱۴۵۷ مربوط شود، ولی در باب مورد اول یقین حاصل است که در سال ۱۴۹۴ چنین نماینده‌ای وجود داشته است. اما اعزام نماینده دائمی و نیز به ناپل ظاهراً نخستین بار در سال ۱۴۵۷ صورت گرفته است.

لونی یازدهم ۴ در گفت و گویی که در سال ۱۴۶۴ با آلبریکو ماله تا ۵ سفیر غیر دائمی میلان داشت هیأت‌های دیپلماتیک دائمی را چون رسمی رایج در ایتالیا، ولی منحصر ایتالیایی، می‌دانست.

خود او قبول نمی‌کرد که چنین نمایندگانی نزد او اعزام شوند و اگر در سال ۱۴۶۵ به سوئد ج. پ. پاسگارولاً سفیر فرانسوا اسفورتسا از این قاعده عدول کرد علت آن بود که در آن هنگام با امیرانی که در اتحاد مصالح عمومی بر ضد او گرد آمده بودند در حال جنگ بود و دوک میلان یگانه متحد او به شمار می‌رفت. در شمال آلب به هیأت‌های دائمی با بدینی می‌نگریستند. از اواخر قرن بود که رفته‌رفته چنین هیأت‌هایی آشکار شدند: اگرچه ونیز ظاهراً در سال ۱۴۷۱ نزد دوک دوبرگونگی نماینده‌ای دائمی اعزام می‌داشت، اعزام نماینده دائمی از طرف آن دولت نزد امپراطور و اعزام نماینده دائمی دیگری نزد شاهان اسپانیا، زودتر از سال ۱۴۹۵ صورت نگرفت؛ شاید در سال ۱۴۹۶ نماینده‌ای هم نزد شاه انگلستان فرستاده شده باشد، ولی هیچ چیز ثابت نمی‌کند که اعزام نماینده دائمی آن جمهوری نزد شاه فرانسه زودتر از سال ۱۵۰۰ صورت گرفته باشد. در سال ۱۴۹۰ بود که میلان توانست سفیری دائمی نزد شاه انگلستان بفرستد و شاید سفیر میلان نزد امپراتور ماکسیمیلیان زودتر از ۱۴۹۴ چنین عنوانی نیافته باشد. اما در مورد اسپانیا گمان می‌رود که مأموریت لورنزو سوارز ده فیگه رولا^۲ سفیر «شاهان کاتولیک» (یعنی فردینان و ایزابل داراگون - کاستیل) در جمهوری ونیز در فاصله سالهای ۱۴۹۴ تا ۱۴۹۸ جنبه دائمی پیدا کرده باشد؛ به نظر می‌رسد که کسب این عنوان برای روه ریگو گونه سالی ده پوئبلا^۳ سفیر همین شاهان در دربار انگلستان به قبل از سال ۱۵۰۰ برگردد. اطمینان داده شده که دربار اسکاتلند در همان هنگام اظهار تمایل می‌کرده که به یک سفیر دائمی اسپانیا پذیرش بدهد.

وضع در رم از ویژگی‌های نسبتاً خاصی حکایت می‌کند. رؤسای کشورهای ایتالیا - دوک میلان، جمهوری ونیز - بدون شک از ۱۴۵۸ نماینده دائمی به آنجا فرستاده بودند. ولی پایا به هیأت‌های دائمی علاقه‌ای نشان نمی‌دادند و فرانسه، انگلستان و اسپانیا در اواخر قرن موفق شدند برای چنین نمایندگانی کسب پذیرش کنند. در مورد انگلستان می‌توان گفت که ظاهراً نمایندگی دائمی از نهاد «وکالت» ناشی شده باشد: این نکته مورد قبول قرار گرفته که جان شیروود^۴ رئیس شماسان ویند سور، پروکوراتور^۵ در دربار رم و اسقف آتی دورهام^۶، از سال ۱۴۷۸ بارها عنوان اورتور^۷ یعنی سفیر را گرفت و پس از انقضای این مأموریتها، امتیازهای مربوط به

قرن پانزدهم شاهد ایجاد تغییرهای مهمی در فن روابط بین‌الملل بود: ظهور هیأت‌های دیپلماتیک دائمی در خارج. در این مورد باید از هرگونه ابهام اجتناب کرد و فرستادگان متعددی را که اقامت آنها در دربار یا جمهوری بیگانه مدتها ادامه می‌یافت لزوماً در میان صاحبان مأموریت‌های دائمی جای نداد. در قرن پانزدهم، به سبب پیچیدگی روزافزون روابط بین‌الملل. بخصوص در ایتالیا، از این گونه موارد بسیار دیده می‌شد؛ یکی از بهترین نمونه‌ها همان مأموریت طولانی کومین در ونیز در سالهای ۱۴۹۴ تا ۱۴۹۵ است که طول مدت آن را وظیفه‌ای که فرستاده شاه به عهده داشت توجیه می‌کند: کار او این بود که جمهوری والامقام را از عضویت در اتحادیه‌ای که بر ضد ارباب او تشکیل شده بود منصرف کند. نخستین نمایندگان دائمی اعزامی به خارج از نیمه‌های قرن پانزدهم بین کشورهای ایتالیا مبادله شدند. ابتکار اعزام چنین نمایندگانی ظاهراً با فرانسوا اسفورتسا^۸ بود که نیکودمه دو پوتره مولی^۹ را به عنوان نماینده دائمی



مانعة الجمع نبود و امور خیلی مهم هم به عهده این سفیران فوق‌العاده گذاشته می‌شد. سفیران دائمی از همان توجه و رعایت حالی که شامل سفیران فوق‌العاده می‌شد بهره‌مند نبودند؛ آنها در ذهن بسیاری از مردم شیبه بازرگانانی بودند که در خارج مستقر شده بودند و فلورانس و ونیز و سایر کشورها از آنها برای کسب اطلاعات و بسته به موقعیت برای ابلاغ پیامهایی به حکومت سرزمینی که این مأموران در آن می‌زیستند استفاده می‌کردند؛ آنها کارکنان اندکی در اختیار داشتند و ظاهراً هم گاهی حقوق ناچیزی دریافت می‌داشتند. گاهی پیش می‌آمد که این وضع به شوون زندگی آنها لطمه وارد آورد: جووانی جیلی، سفیر دائمی انگلستان در دربار پاپ برای تزئین خانه‌اش دیوار پوشهایی از بیمارستان انگلیسی سنت - تامس^۹ به امانت گرفت و هرگز هم آنها را پس نداد؛ رفتار دکتر پوئبلا^{۱۰} نخستین سفیر دائمی «شاهان کاتولیک» در انگلستان، بیش از این قابل بحث بود: از شاه انگلستان دیروزی می‌کرد، در روسپی‌خانه‌ای زندگی می‌کرد و برای حمایت از سرقتهایی که در آن خانه از مشتریان می‌شد مصونیت دیپلماتیکش را مورد استفاده قرار می‌داد.

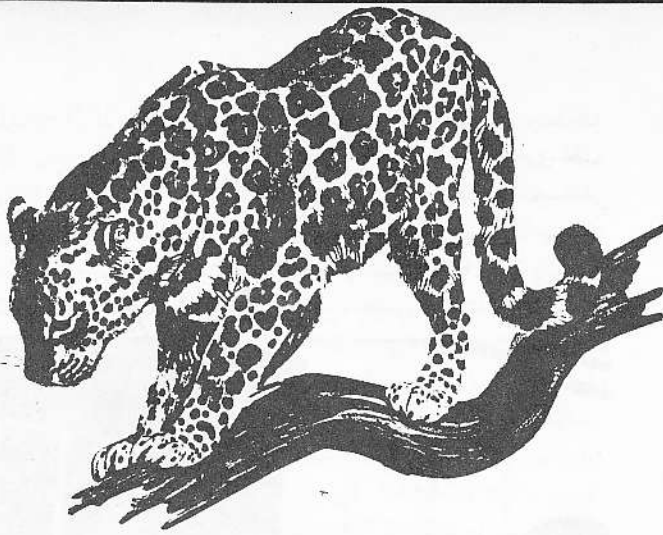
سفیران، چه دائمی و چه غیردائمی، از مدارکی بهره‌مند بودند. رسم جدیدی نبود، اما در آخرین سده‌های قرون وسطی، نظم و ترتیب بیشتری می‌یافت؛ ضمناً بسیاری از این مدارک که به قرنهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم مربوط می‌شود باقی مانده است. نویسندگان معاصر که از روابط بین‌الملل سخن گفته‌اند بر اهمیت این متون تأکید ورزیده‌اند؛ گیوم دوران^{۱۱} تفسیرنویس متأخر مشهور در نیمه دوم قرن سیزدهم نوشته است که اختیاراتی هر فرستاده به مدارکی که در اختیار او گذاشته شده باشد بستگی دارد و این نامه‌ها باید موضوع اصلی مأموریت او را روشن کنند. در میان این «مدارک» قبل از هر چیز اعتبارنامه که در قرنهای گذشته هم وجود داشت جلب توجه می‌کرد. در کشورهای مختلف غربی این تمایل وجود داشت که این مدارک یکسان شوند؛ عامل اصلی این مدارک دعوتی بود که رئیس کشوری از رئیس کشور دیگری به عمل می‌آورد تا به آنچه فرستادگانش می‌گفتند اعتماد کند؛ در اعتبارنامه‌هایی که ادوارد سوم در سال ۱۳۰۹ به سفیران خود نزد کله‌مان پنجم تسلیم می‌کرد تصریح می‌شد که پاپ با استماع سخنان فرستادگان شاه انگلستان، صدای خود را خواهد شنید. عنوان فرانسوی «استوارنامه» از اوایل قرن سیزدهم سابقه دارد: ویلاردوئن^{۱۲} نقل می‌کند که فرستادگان سران جنگ صلیبی چهارم در سال ۱۲۰۱ «نامه‌های اربابان خود» را تسلیم رئیس جمهور ونیز کردند و «نامه‌ها اعتبار یافتند» فرستادگانی هم که مأمور بودند ترتیب کاری را بدهند معمولاً حامل نامه‌هایی بودند که در آنها موضوع «اختیار تام» (در مدارک لاتین: اختیارات کامل و آزاد، نمایندگی، اداره) قید شده بود. «اختیارات کامل» گاهی شامل وعده تصویب بود. در مورد «وکلا»ی مأمور مذاکره درباره معامله‌ای که خصوصیت یا حداقل شکل آنها بیشتر حقوقی بود تا سیاسی، یا در مواردی که به آنها نمایندگی داده می‌شد تا از طرف ارباب خود در محکمه‌ای حضور یابند - مثلاً شاه انگلستان در برابر پارلمان پاریس - مدرک مربوط به اعطای اختیار گاهی مانند وکالتنامه‌ای که در حقوق خصوصی تنظیم می‌کردند نوشته می‌شد. طبق قاعده کلی، فرستادگان، پروانه عبوری دریافت می‌داشتند که باید از رؤسای کشورهایایی که نزد آنها اعزام می‌شدند یا از خطه‌های آنان

آنها را در مورد خود به رسمیت شناساند؛ به نظر می‌رسد که جانشین او از سال ۱۴۹۰ در مقام پروکوداتور و اوراتور فردی مقیم لوگنا^{۱۳} و زاده بروژ^{۱۴} به نام جووانی جیلی^{۱۵} بوده که قبلاً تحصیلدار دولت پاپ در انگلستان بوده که بعدها اسقف وورستر^{۱۶} می‌شد. دیگر وضع مطلوب حاصل شده بود. اگر پیش از پایان قرن پانزدهم نمایندگان دائمی خارجی در دربار پاپ حضور داشتند خود او ابدأ



نمایندگانی دائمی به جایی نفرستاد. «نمایندگان» (لگاتوس) و «سفیران» (نونتیوس) او همیشه فقط عهده‌دار مأموریت‌های موقتی بودند. این امر را هم که گاهی سفیر پاپ مدتهای مدید در یک محل می‌ماند طبیعت کارهایی که او باید انجام می‌داد توجه می‌کرد. نمونه عالی این امر را لوک دو تولنتیس^{۱۷} اسقف سبه نیکو^{۱۸} در اختیار ما قرار می‌دهد او کسی بود که در سالهای ۱۴۶۲ تا ۱۴۶۵ و ۱۴۶۶ تا ۱۴۷۴ و ۱۴۷۶ تا ۱۴۸۴ سفیر پاپ نزد دوکهای بورگونی بود: این مقام عالی کلیسایی برغم طول مدت مأموریتش، بطوری که گواهینامه^{۱۹} مربوط به او قید می‌کرد فقط برای مذاکرات مربوط به تنظیم معامله‌های معین و «دشوار» نمایندگی داشت؛ ویژگی این معامله‌ها - امتیازهایی که باید به صادرات «زاج سفید» قلمرو پاپ به هلند تعلق می‌گرفت، تدارک جنگ صلیبی بر ضد ترکها، دریافت درآمدهای دولت پاپ - اقامت طولانی فرستاده دربار پاپ در محل را توجه می‌کرد. در باره «تحصیلدارها»، برخی کشیشان مأمور دریافت درآمدهای دربار پاپ، نهادی که دربار پاپ آوینیون در قرن چهاردهم به آن عمومیت بخشید باید نکته‌ای را یادآور شد: این مشاغل غالباً تا مدتهای مدید به عهده افراد خاصی بود. امکان داشت که شخص نونتیوس و اوراتور با حفظ سمت، عهده‌دار انجام این کار شود؛ این امر در قرن پانزدهم رواج داشت.

ظاهراً امپراتوری بیزانس جز در آخرین دوران وجودش سفارت دائمی نداشته است. بازیلوس مانوئل دوم (۱۳۹۱ تا ۱۴۲۵) در دربار سلطان محمود اول عثمانی (۱۴۱۳ تا ۱۴۲۱) سفیر دائمی داشت. اگر گواهیهای معاصرانش را باور کنیم سعی او در درجه اول این بوده که قسطنطنیه را از نیات و اقدامهای همسایه هولناکش آگاه نگه دارد. ضمناً، در خود غرب هم سفیر دائمی در درجه اول مأمور اطلاعاتی و در درجه دوم مأمور مذاکره بوده است. حضور سفیر دائمی و اعزام سفیران فوق‌العاده و دارای مأموریت موقت



در عوض برای اربابش پلنگی به ارمنان می‌برد که در طول راه باید با گوسفندان زنده شکمش را سیر می‌کردند؛ اما در خلال آخرین سده‌های قرون وسطی، فرستادگان غالباً ناگزیر بودند غیر از «هدایای افتخاری» چیزهای دیگری هم به رؤسای کشورها و شخصیت‌های متنفذ اطراف آنها بدهند: پول، تیول عایدی، مستمری؛ در حقیقت اینها تلاشی برای به فسادکشاندن بود. هدیه‌هایی که به سفیران داده می‌شد می‌توانست به همین منظور باشد. به همین جهت بود که در کشورهای مختلف تدابیری اتخاذ شد که گرفتن هدیه، مجاز یا ممنوع شناخته شود؛ جمهوری ونیز خیلی زود - در سالهای ۱۲۳۶ و ۱۲۶۸ - در این مورد تدابیر شدیدی اتخاذ کرد.

کسانی که به خارج اعزام می‌شدند در ازای مخارج گوناگونی که ناگزیر بودند متقبل شوند پادشاه و غرامتهایی دریافت می‌داشتند. مبالغ دریافتی بقدری فرق می‌کرد که ذکر رقم چندان مفید به نظر نمی‌رسد. امتیاز سفیران، مدت و نوع مأموریت، همچنین سخاوت فرمانروا و وضع مالیه او در این مورد دخالت داشت، بکرات پیش می‌آمد که فرستادگان، مبالغی را که قول داده شده بود دریافت ندارند. در قرون وسطی در غرب کشوری وجود داشت که در آن کار انجام مأموریتی در خارج، برای رعایای آن تکلیفی ایجاد می‌کرد که با مجازاتهایی نقدی کیفر داده می‌شد: این کشور همان جمهوری ونیز بود. نخستین مقررات قانونی که در این مورد به تصویب رسید به سال ۱۲۷۲ مربوط می‌شود؛ در خلال قرنهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم مقررات دیگری وضع شد. این کار بخصوص از آن رو دشوار بود که در ونیز بی‌اعتمادی همچون فضیلتی در نظر گرفته می‌شد و دولت، پیشاپیش، به نمایندگان در خارج سوءظن داشت: این دولت در سال ۱۲۸۶ سوگند خاصی به آنها تحمیل کرد و چندان هم از آزار و اذیت آنها دست برنداشت.

مصونیت شخصی نمایندگان اعزامی به خارج نه تنها عموماً پذیرفته شده بود، بلکه همچون قاعده‌ای اعلام می‌شد، بخصوص این کار از طرف پاپ گره گوار دهم صورت می‌گرفت وقتی که به شارل دانژو می‌نوشت: «حقوق افراد ایجاب می‌کند که نمایندگان هر ملتی همواره، حتی نزد دشمنان، در امان باشند.» گیوم دوران در جایی که تأکید می‌ورزد که آرمان سفیران مقدس است همین فکر را بیان می‌کند. ضمناً این اصل در تمام جهان مسیحیت و بسیاری از کشورهای اسلامی پذیرفته شده بود. در مورد کسانی که مرتکب این تقصیر می‌شدند که نسبت به سفیران به خشونت مبادرت ورزند مجازاتهایی شدیدی وجود داشت؛ مثلاً در سال ۱۳۴۰ افراد نزدیک به سازمان اداری و قضایی دربار پاپ که یکی از سفیران انگلستان

می‌گذشتند گرفته می‌شد؛ آنها اگر فاقد این پروانه بودند با گرفتاریهای شدید مواجه می‌شدند. اهمیت چنین مدرکی بخصوص در موارد قطع رابطه، فراوان بود. فرواسار^{۲۳} بر این نکته تأکید می‌ورزد که پس از تسلیم «ستیزه‌جویی» ادوارد سوم به فیلیپ ششم شاه فرانسه، که جنگ صدساله در اول نوامبر ۱۳۳۷ با همان اقدام آغاز شد، شاه فرانسه دستور داد به هنری بورگش^{۲۴} اسقف لینکلن و سفیر انگلستان «پروانه عبور خوبی برای او و تمام همراهانش داده شود و او به یاری این پروانه بدون خطر از پادشاهی فرانسه گذشت و به انگلستان بازگشت.» بالاخره، نمایندگان می‌توانستند دستورهای کتبی دریافت دارند. این رسم با آن که هرگز عمومیت نیافت در خلال قرنهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم بیش از پیش گسترش پیدا کرد؛ از قرن پانزدهم دستورالعمل‌های بسیار گسترده‌ای محفوظ مانده که گزارش کامل سیاست در آنها گنجانده شده است. در همان ایام برای آن که به سفیران اجازه داده شود که خودشان دستورالعملهایشان را آشکار کنند، یا از بیم آن که این دستورالعملها از طرف عوامل دیگر کشف شود، دستورهای پنهانی و متفاوت با آنچه در مدارک رسمی قید شده بود به سفیران داده می‌شد. استفاده از «رمز» هم به منظور اجتناب از خطری که ذکر شد عملی مرسوم بود. در اواخر قرون وسطی، ونیزیها در نوشتن رمزهای دیپلماتیک استاد فن به شمار می‌آمدند.

تسلیم هدایا از طرف فرستادگان به شاهانی که آنان به نزدشان اعزام می‌شدند ادامه یافت و مانند گذشته، تقابل رفتار مناسب را به دنبال داشت. بزرگترین تنوع در این هدایا دیده می‌شد. سفیر ادوارد سوم نزد ایلخان پارس در سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۳، حامل هدیه‌ای



عبارت از دو شاهین که حلقه‌هایی از نقره داشتند برای ایلخان بود و

نزد پاپ را از آوینیون ربوده بودند اعدام شدند.

قراردادها و طرحهای انعقاد یافته یا مورد مذاکره قرار گرفته بین شهرهای آلمان با امیر اسمولنسک^{۲۵} در سالهای ۱۲۲۹ و ۱۲۵۰ و با امیر جمهوری نووگورود^{۲۶} در ۱۱۸۹ و ۱۲۶۸ و ۱۲۶۹، مبلغ جریمه مربوط به قتل را وقتی که قربانی فرستاده یکی از دو طرف بود دوبرابر می‌کرد. این دو مثال را عمداً از دو محیط بسیار متفاوت انتخاب کردیم: بدون زحمت می‌توان نمونه‌های بسیار دیگری ذکر کرد و باز بدون زحمت می‌توان موارد دیگری از مصونیت مورد تجاوز قرار گرفته دیپلماتیک را، بجز مورد سال ۱۳۴۰ آوینیون، ذکر کرد. یکی از آشکارترین موارد دستگیری دو تن از سفیران فلورانس در دربار شارل ششم پادشاه فرانسه در سال ۱۴۰۶ بود که به دستور عموهای شاه، دوکهای اورلئان و بورگونی، صورت گرفت؛ توقیف این دو بینوا تا سال ۱۴۰۸ ادامه یافت! پیش می‌آمد که مقامات کشوری که سفیر به آن اعزام شده بود بی‌آن که تا حد تجاوز به دستیابی امتیازهای او پیش بروند ملتها او را معطل کنند و به او اجازه ورود به خطه ملی را ندهند یا این که، بر اثر بی‌اعتمادی یا دلایل دیگر زندگی را بر او دشوار گردانند. به همین نحو بود که در سال ۱۴۷۹ سفیران میلان در دربار لوئی یازدهم از این که احترام آنها رعایت نمی‌شود، از این که بنحو آزاردهنده‌ای تحت نظر گرفته شده‌اند، از افتراهایی که سرسختانه درباره آنها راه می‌افتاد، و از نگرانی اطرافیان شاه از این که به آنها نزدیک شوند شکایت می‌کردند.

آئین و آداب حاکم بر دربارها که بیش از پیش انعطاف ناپذیرتر می‌شد، رعایت امتیازهای خاص سفیران، مسائل ناشی از حق تقدم در باریابی، بخصوص از قرن پانزدهم، از عوامل اختلاف نظر و حتی برخورد به شمار می‌رفت. این امور، زندگی فرمانفرمایان و مشاوران آنها را تلخ می‌کرد و حوادث ناگوار و حتی گاهی خشونت آلود را وارد زندگی خود سفیران می‌کرد؛ پیش از این به نمونه ژمی ماجرا اشاره کردیم، ولی این ماجراهای غم‌انگیز دیپلماتیک منحصر به دربار پاپ نبود: در سال ۱۴۹۷ در دربار امپراتور ماکسیمیلین، چون فرستاده فلورانس نخواسته بود به فرستاده ونیز راه دهد، نماینده اخیر همکارش را به درون کثافت انداخت و حرکتش را با کلمات مناسب همراه کرد.

این عادت که نمایندگان اعزامی به خارج در باره انجام مأموریتشان گزارشهای کتبی به اربابان خود بدهند عمومیت پیدا کرد. می‌دانیم که این عادت به دوران بسیار گذشته و به امپراتوری بیزانس برمی‌گردد. با وجود وفور روزافزون این امر در غرب، نمی‌توان مطمئن بود که در تمام کشورهای غربی، در مورد هر مأموریت و هر فرستاده گزارش کتبی فراهم آمده باشد. انگلستان یکی از کشورهایی بود که ارسال گزارش در حین مأموریت یا در پایان مأموریت، در آن بیش از هر جای دیگری عمومیت داشت؛ ولی واقعیت این است که غالباً گزارش کتبی نهایی عمق مسائل را مطرح نمی‌کرد و آن را برای گزارش شفاهی (رلاتیو^{۲۷}) به شاه یا احتمالاً به شورای او نگه می‌داشت. در ایتالیا رسم گزارش کتبی رایج بود ولی بخصوص در ونیز بود که بیش از سایر نقاط نظم و قاعده پیدا کرد. از سال ۱۲۶۸ تسلیم گزارش کتبی مختصر به سفیران تحمیل شد و گزارش مسبوط شفاهی در حضور رئیس جمهور و سنا داده می‌شد. ارسال گزارش کتبی در حین مأموریت خیلی زود مرسوم شد. سپس تدوین این دو نوع گزارش تحت ضابطه درآمد.

قدیمی‌ترین گزارش در حین مأموریت (دیسپاچو^{۲۸}) و قدیمی‌ترین گزارش پایان مأموریت (رلاتسیونه^{۲۹}) که مضبوط مانده به ترتیب تاریخ سالهای ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ و ۱۴۹۲ را دارد. قطعاً گزارشهایی مربوط به پیش از آن هم وجود داشته است. در ونیز، در قرن پانزدهم، در تنظیم گزارشهای حین مأموریت از رمز استفاده می‌کردند.

در آخرین سده‌های قرون وسطی - چه در بیزانس و چه در کشورهای غربی - سازمانی اداری وجود نداشت که روابط خارجی را اداره کند و شرح وظایف مأموریتهای خارج را تدارک ببیند. این کار به سازمانها و اشخاص مختلف اختصاص یافته بود. بطور کلی می‌توان گفت که در «شورا»ی شاه - یعنی در سازمانی کاملاً نزدیک به شاه و غالباً دارای اعضای متغیر - در مورد اغلب تصمیمها بحث می‌شد و مأموریتهای اصلی پذیرفته می‌شد. در فرانسه، انگلستان و کشور بورگونی، در دوران دو دوک آخر، وضع بدین منوال بود. فلان شخصیت - مثلاً مقام اول قضایی که عضو «شورا» بود - می‌توانست بر شورا تأثیر مهمی بگذارد. دبیران وابسته به شورا هم می‌توانستند در تدارک قضایا و تمام فعالیتی که به آنها مربوط می‌شد سهمی با اهمیت داشته باشند: به همین دلیل بود که در انگلستان تقریرنویسهای عدلیه که معمولاً عهده‌دار انجام این امور بودند به سبب آگاهی‌شان بر امور، به مأموریت خارج اعزام می‌شدند. در این دیار که نظام کلی نهادهای عمومی بیش از هر چیز دیگری توسعه یافته بود فعالیت های اداری که به روابط خارجی پیوند می‌خورد مقداری تخصص می‌طلبید: این فعالیتها از قرن چهاردهم تا حدود گسترده‌ای به «مهردار خصوصی»^{۳۰} اختصاص داشت. با این همه در سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۹ اداره مخصوصی وجود داشت که کارش گردآوری تمام مدارک ضروری و تهیه عقایدی بود که برای اشخاصی که وظیفه داشتند در باره دشواریهای بی‌شمار ناشی از روابط ارباب - رعیتی بین خاندانهای پلانتاژنه و کاپه‌سین مذاکره کنند مفید بودند. کارمند عالی‌رتبه‌ای که عنوان مشخصه «نگهبان محاکمات»^{۳۱} را داشت بر این اداره نظارت می‌کرد. در ونیز هم امور خارجی در صلاحیت سازمان معینی بود.

سنا در باره آن بحث می‌کرد؛ اما از قرن چهاردهم مجمع دائمی «فرزانگان» (سای^{۳۲}) مقدمات بررسی آن را فراهم می‌آورد.^{۳۳} پلرگ ها:

۱ - Comynes، مورخ و وقایع نگار فرانسوی، ۱۵۱۱ - ۱۴۴۷، صاحب هشت کتاب حاوی خاطرات مربوط به دوران سلطنت لوئی یازدهم و شارل هشتم. او در دوران این دو شاه دارای نقش سیاسی و دیپلماتیک بود.

۲ - F. sforza، فرزند اوژن چهارم، ۱۴۶۶ - ۱۴۰۱، که پس از مرگ پدر زنش که دوک میلان بود خود را جانشین او خواند و بر تمام لومباردیا دست یافت.

۳ - Nicodeme de pontremali

۴ - شاه فرانسه، ۱۴۸۳ - ۱۴۲۳، که دو بار بر پدرش یعنی شارل هفتم شورید



و پس از آن که به سلطنت رسید (۱۴۶۱) به ضدیت با طبقه ی نجبا کمر بست و اینان نیز «اتحاد مصالح عمومی» را بر ضد او ترتیب دادند.

Alberigo Maietta - ۵

J.P.Panigarola - ۶

Lorenzo Suarez de Figuerola - ۷

Roderigo Gondesalvi de Puebla - ۸

John Shirwood - ۹

۱۰- Procurator ، در اصل به معنای اداره کننده و حاکم است و در حقوق وکیل معنی می دهد .

Durham - ۱۱

۱۲- Orator ، در اصل به معنای خطیب و ذی نفع است و این جا به معنای سفیر .

Lucques - ۱۳

Bruges - ۱۴

Giovanni Gigli - ۱۵

Worcester - ۱۶

Luc de Tolentis - ۱۷

Sebenico - ۱۸

Saint - Thomas - ۱۹

Puebla - ۲۰

Guillaume Duramd - ۲۱

۲۲- Villehardouin ، وقایع نگار فرانسوی ، ۱۲۱۳ - ۱۱۵۰ ، از سران جنگ های صلیبی و صاحب کتاب فتح قسطنطنیه .

۲۳- Froissart ، وقایع نگار فرانسوی ، ۱۴۰۰ - ۱۳۳۷ ، که شاعر و رمان نویس هم بود .

Henri de Burghersh - ۲۴

Smolensk - ۲۵

Novoçorod - ۲۶

R. latio - ۲۷

Disp. iccio - ۲۸

Relazione - ۲۹

Keeper of the prive seal - ۳۰

Custos Processuum - ۳۱

Savi - ۳۲

* آنچه آمد صفحه هایی ست از کتاب «تاریخ روابط بین الملل در قرون وسطی» نوشته ی فرانسوا ل . گانسهوف استاد دانشگاه گان ، عضو آکادمی سلطنتی فلامان علوم بلژیک و همکار انستیتو دو فرانس . کتاب مذکور یکی از اجلاد شش گانه ی تاریخ روابط بین الملل از قرون وسطی تا جنگ جهانی اول است که معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی به چاپ آن همت گماشته است .



مجله
پژوهش‌های علمی و فرهنگی
روشن: تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

صاحب امتیاز و سردبیر
سید هادی خسروشاهی
با همکاری: شورای نویسندگان

مجموعه سال اول فصلنامه «تاریخ و فرهنگ معاصر» در ۱۱۲۰ صفحه، شامل دهها مقاله تحقیقی، تاریخی و صدها عکس و سند با جلد زرکوب به تعداد محدودی در دفتر مرکزی فصلنامه موجود می باشد.

علاقتمندان به دریافت آن می توانند مبلغ ۷۰۰ تومان به حساب ۵۰۵۰۶ بانک ملی شعبه حجتیه قم واریز کرده و پیش آن را همراه با آدرس صحیح ارسال نمایند.

دفتر مرکزی: قم - خیابان صفایه، نبش ممتاز، ساختمان مرکز بروسیهای اسلامی. صندوق پستی ۱۳۶. تلفن ۳۷۲۲۳

پژوهش‌های علمی و فرهنگی



فصل نامه «هستی»

شماره نخست فصل نامه «هستی» به مدیریت استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، و با آثاری از فرهیختگان و استادان برجسته ، در واقع به عنوان ارگان علمی ایرانسرای فردوسی انتشار یافت و همان در گام آغازین ، نشان داد که : چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار .

گلچرخ، رویش این «سرو سایه فکن» را به مدیرارجمند «هستی» و یاران ایشان و همه عاشقان زبان فارسی ، تهنیت می گوید و بالندگی روز افزون آن را آرزو دارد.